

حماسه حسینی

شعر از: دکتر محمد صادق محقق

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی دزفول

یادداشت:

شاید خواننده گرامی این اشکال را بر ما بگیرد که مجله علمی تحقیقی است، پس این قصیده چه محلی از اعراب دارد. پاسخ این اشکال بسیار روشن است. مگر قرآن معجزه بیانی، و به عبارتی آشکارتر «معجزه گفتاری نبوده است؟» افزون بر این مگر یک پژوهشگر قرآنی که زبان رسمی وی فارسی است، می‌تواند بدون داشتن پشتوانه زبانی و ادبی مقصود خود و یافته‌های خود را بیان کند؟ پس شناخت زبان و ادبیات فارسی نیز برای قرآن پژوهی لازم و ضروری است. بویژه ادبیات فارسی که بیش از دیگر زبانهای دنیا تحت تأثیر قرآن و مفاهیم آن قرار داشته است، و این قصیده علاوه بر اینکه نشانگر تعهد شاعر نسبت به خاندان نبوت (ص) خود از شعر ناب فارسی بشمار می‌آید. «زبان و علوم قرآن»

خیز و آهنگ سواران را ببین
های و هوی رهسپاران را ببین
در سکوت ریگزاران سیاه
جوشش سبز بهاران را ببین
در سراب خوابناک مرده دل
پیچ و تاب جویباران را ببین
در دل سنگین و سرد صخره‌ها
خون گرم چشمه ساران را ببین
در نفیر سخت جانان نفور
اشتیاق جان نثاران را ببین
در خزان زرد روی شوره بوم
نغمه سرخ هزاران را ببین

در حصار بی سر و پا سفلگان
سرفرازان، سربرداران را ببین

بر درفش شیر مردان غیور	نقل میر حق گزاران را ببین
زندگی با ظالمان شرمندگی است	مرگ با عزت کمال زندگی است
بر نشسته شهسوارانی به زین	هر یکی را ملک جم زیر نگین
پیشتازان ره آزادگی	پیشمرگان سپهسالار دین
وارثان صولت شیرخدا	قاتلان قاسطین و مارقین
گامشان پیرایه بند فرش خاک	نامشان آرایه عرش برین
وصف آنان معنی والعدایات	ذکر آنان رمز اصحاب الیمین
اهتزاز تیغشان می افکند	لوزه بر اندام خیل مشرکین
می زداید نعل مرکبهایشان	ننگ نیرنگ از زمین شوخین
می روند و رهگذرها می شود	زین سرود سرخ آنان پرطنین
کای امان خواهان گنج عافیت	قاعدان کاهل عزلت گزین
زندگی با ظالمان شرمندگی است	مرگ با عزت کمال زندگی است
دیو کی زبید سلیمانی کند	گرگ چون شاید که چوپانی کند
گر رقیب مهر گردد اهرمن	روزها را شام ظلمانی کند
پوربوسفیان اگر شد پیشوا	رخنه در دین مسلمانی کند
جاهلیت را به پیش آرد یزید	پشت بر آیات قرآنی کند
از هوسبازان نیاید مردمی	یار شیطان کار شیطانی کند

کیست آن کو پاسدار دین شود
جان در این درگاه قربانی کند

زین سرود سرخ آنان پرطنین
کای امان خواهان گنج عافیت

قواعدان کاهل عزت گزین
زندگی با ظالمان شرمندگی است

مرگی با عزت کمال زندگی است
دیو کسی زیبد سلیمانی کند

گرگ چون شاید که چوپانی کند
گر رقیب مهر گردد اهرمن

روزها را شام ظلمانی کند
پوریوسفیان اگر شمسد پیشوا

رخنه در دین مسلمانان کند
جس اهلیت را به پیشی آرد یزید

پشت بر آیات قرآنی کند
از هوسبازان نیاید مردمی

یار شیطان کار شیطانی کند
کسیست آن کسو پاسدار دین شود

جسان در این درگاه قربانی کند
آن که این پیغام را با خط خون

نقش بر این گنبد فانی کند
زندگی با ظالمان شرمندگی است

مرگی با عزت کمال زندگی است
این غزل دیباچه دیوان کسیست

زندگی با ظالمان شرمندگی است

مرگ با عزت کمال زندگی است

دیوکی زبید سلیمانی کند

گرگ چون شاید که چوپانی کند

گر رقیب مهر گردد اهرمن

روزها را شام ظلمانی کند

پوربوسفیان اگر شد پیشوا

رخنه در دین مسلمانی کند

جاهلیت را به پیش آرد یزید

پشت بر آیات قرآنی کند

از هوسبازان نیاید مردمی

یار شیطان کار شیطانی کند

کیست آن کو پاسدار دین شود

جان در این درگاه قربانی کند

آن که این پیغام را با خط خون نقش بر این گنبد فانی کند

زندگی با ظالمان شرمندگی است مرگ با عزت کمال زندگی است

این غزل دیباچه دیوان کیست جاری سرخ دل سوزان کیست

این ترنم کز غمی دارد نشان نغمه مرغ سراستان کیست

می‌دمد گلبانگ مسجد از مصاف

این مصلی خطه میدان کیست